

الگوهای توسعه

خودکامگی در خاورمیانه، اقتدارگرایی در خاوردور



کوروش احمدی

دبیلمات‌پیشین

یکی از بحث‌های محوری که از صدر مشروطیت در ایران مطرح بوده و به‌تازگی نیز مجدداً بالا قرار گرفته، نوع حکومت مناسب برای توسعه است. امین‌السلطان، سیاست‌مدار محافظه‌کار ایرانی، پس از دیداری از زاین در ۱۹۰۳ و مشاهده دستاوردهای دولت میجی، تبلیغ می‌کرد که اصلاحات بدون وجود دولت قدرتمند مرکزی و در صورت لزوم مستبد ممکن نیست. اما الگویی که در جریان جنبش مشروطیت اختیار شد، الگویی نبود که در کشورهای غربی برای توسعه و مدرن‌سازی دولت مفید واقع شده بود. این الگو در ۱۵ سال اول بعد از مشروطیت مجالی برای آزموده‌شدن نیافت. آشوب‌های بعد از مشروطه، مداخلات گسترده روس و انگلیس و سرایت جنگ جهانی اول به ایران موجب شد تا سه مجلس اول مشروطه قبل از پایان دوره بسته شوند و طی این مدت به‌طور متوسط هر پنج ماه یک دولت جدید روی کار آید. مشروطه همچنین موجب شد تا شکاف‌های متعدد دیگر در کشور نیز سر باز کنند و دولت مرکزی گاه اختیاراتش از حومه تهران فراتر نرود.

به این دلایل در اواخر دهه ۱۲۹۰، اجماعی مبنی بر نیاز به یک دولت متمرکز مقتدر در بین همه نحله‌های فکری شکل گرفت. درحالی‌که مشروطه‌خواهان لیبرال دولت مرکزی مقتدر را در چارچوب حکومت قانون می‌خواستند، تجددگرایان اقتدارگرا رعایت قانون اساسی را خیلی هم ضروری نمی‌دانستند و به این ترتیب به شکل‌گیری یک خودکامگی فردی کمک کردند که در درجه اول بلای جان خودشان شد. واقعیت این است که حاصل اندیشه‌ورزی‌های ایرانیان درباره دلایل عقب‌ماندگی کشور در قرن نوزدهم این شده بود که بی‌قانونی ریشه همه مشکلات کشور است. اجماع تقریبی در این زمینه، زمینه‌ساز مطالبه قانون و تدوین قانون اساسی شد. اما ترس از خودکامگی شاهان ایرانی موجب شد تا راه افراط پیموده شود و خروجی قانون اساسی مجلسی قوی و دولتی ضعیف باشد. فقدان احزاب قوی و سیال‌بودن مواضع نمایندگان مزید بر علت شد و تزلزل مستمر دولت‌های بعد از مشروطیت را موجب شد. البته مجالس چهارم، پنجم و ششم عملکرد نسبتاً خوبی داشتند و موجب شکل‌گیری یک سنت قوی پارلمانی شدند که در صورت تداوم می‌توانست شرایط متفاوتی را رقم بزند. اما نهایتاً دموکراسی پارلمانی در ایرانی در ۲۰ سال اول بعد از مشروطه و در فاصله ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ هر بار در نهایت مقهور خودکامگی فردی شد. الگوی رقیب الگوی اقتدارگرایی توسعه‌گراست که ابداع دولت پروس (آلمان بعدی) بود و بعداً سرمشق دولت میجی در ژاپن و شماری از کشورهای خاور دور قرار گرفت. الگوی پروس امکان همزیستی مدرنیته و اقتدارگرایی را نشان داد و ثابت کرد که مدرن‌سازی و توسعه صنعتی بدون لیبرال‌دموکراسی ممکن است. در این الگو که می‌توان آن را صنعتی‌شدن آمرانه از بالا نامید، ترکیبی از سیاست‌های حمایتی و نهاده‌سازی از طرف دولت، ایجاد محیطی امن و مناسب از طریق ارتش و بوروکراسی برای توسعه، ایجاد امکانات آموزشی گسترده و رایگان و سیاست رفاه برای تضعیف چپ‌گرایی مبنای کار بود. در این سیستم مجلس اگرچه وجود داشت اما امپراتور و صدراعظم امکان نادیده‌گرفتن آن را داشتند.

اما پیش‌شرط‌های موفقیت این‌ الگوی حکمرانی عبارت بودند از: حکومت قانون، پیش‌بینی‌پذیری، استقلال قوه قضائیه، احترام به حقوق مالکیت، بوروکراسی حرفه‌ای و عقلانی، شایسته‌سالاری سخت‌گیرانه، تبعیت از نهاده‌ها و نه اشخاص و… در این الگو، دولت در همه حوزه‌های صنعتی، مالی، بانکی و… نقش سرمایه‌گذار و رهبری را دارد. راه را برای بخش خصوصی هموار می‌کند و از طریق پیش‌بینی‌پذیری ناشی از حاکمیت قانون، مشوق بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری است. الگوی توسعه پروس بعداً سرمشق بسیاری از کشورها در خاور دور و به‌تازگی معدودی از کشورها در خاورمیانه شد. کشورهایی مانند ژاپن، سنگاپور، چین، کره جنوبی، تایوان و… این الگو را اقتباس کردند. برخی از این کشورها و در رأس آنها آلمان، بعد از طی مراحل نخستین توسعه، به الگوهای لیبرال‌دموکراسی یا اقتدارگرایی رقابتی متمایل شدند و برخی دیگر همچنان در مرحله اقتدارگرایی توسعه‌گرا قرار دارند.

الگوی مدیریت خاورمیانه‌ای، کشورهای این منطقه را از توسعه محروم و دستخوش عقب‌ماندگی کرده است.

سه‌شنبه ۹ دی ۱۴۰۴ ۹ رجب ۱۴۴۷ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۹۳
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی درگذشت مرحوم آیت‌الله شفیعی • طرحی برای توسعه ایران مستقل/ کورش مرشد • چرا صدای فقرشنیده نمی‌شود؟/ قادر باستانی تبریزی

بی‌ثباتی دلار، ثبت سفارش قفل‌شده ورکود معاملات، تعطیلی صنفی موبایل‌فروشان و طلافروشان را در پی داشت

اعتراض به بی‌ثباتی ارز

گزارش تیریک را در صفحه ۲ بخوانید

شوگ قیمت اسکناس آمریکایی، رئیس بانک مرکزی را عوض کرد

بازی در ساختمان شیشه‌ای

محمدرضا فرزین ۷ دی ۱۴۰۱ با دلار

۴۳ هزار تومانی به بانک مرکزی آمد

۸ دی ۱۴۰۴ با دلار ۱۴۰ هزار تومانی

ریاست را به همتی تحویل داد

یادداشت

مردمی که فقر خود را می‌شمارند



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

همه این آدم‌ها این اندازه حرمت نگه می‌دارند و حداقل واژه «بیخشید» و تظاهر به شرمندگی بر زبان و چهره‌شان جاری و نمایان می‌شود که اگر نگویند و شانه بالا بیندازند و مثلاً طلبکار هم بشوند و بگویند تقصیر خود است، می‌خواستی «له نشوی»، «پرت نشوی»، «حذف نشوی» و… مگر دست‌مان به جایی بند بود؟! واقعیت این است که ظرفیت قطار و واگن‌های اقتصاد کشور سال‌هاست تکمیل شده و تکفیر به ته دیک خورده است و دخل و خرج دولت و مثلاً بودجه با هزار وصله‌پینه و انبوهی از بدهی‌ها به زمین و زمان به اصطلاح تراز می‌شود! اما چرا به وضعیتی چنین ناگوار رسیدیم؟

بازتاب

پاسخ شهرداری به یادداشت «شرق»

در پاسخ به مطلب مندرج در صفحه یک روزنامه «شرق» در تاریخ ۷ دی‌ماه ۱۴۰۴ با عنوان «طرح من شهردارم؛ کاریکاتور مشارکت اجتماعی»، جوابیه «رباط‌عمومی معاونت برنامه‌ریزی، توسعه سرمایه انسانی و امور شورای شهرداری تهران» با هدف روشن‌نگری و گزارش به شهروندان برای انتشار در همان صفحه و همان جایگاه با تیتیر تعیین‌شده (من شهردارم؛ روایت اعتماد ۵۰ساله شهروندان با وِژند جهانی)، وقف ماده ۲۳ قانون مطبوعات به آن روزنامه وزیر ارسال می‌گردد.

۱- «مشارکت اجتماعی»: اعتقاد و راهبرد مدیریت شهری ششم

شهرداری تهران در ششمین دوره مدیریت شهری با طراحی تحولات چهارگانه (درون‌زا، کالبدی، نرم‌افزاری و فناوریانه)، مشارکت شهروندان را نه یک شعار مقطعی، بلکه «ستون فقرات حکمرانی نوین شهری» می‌داند. برنامه مشارکت شهروندی «من شهردارم» نیز در همین چارچوب و با هدف گسترش مشارکت فراگیر، مسئله‌محور و قابل ارزیابی طراحی شده است تا مردمی‌سازی اداره شهر در قالب نقش‌آفرینی شهروندان در فرایند بودجه‌ریزی محقق شود. این طرح اکنون در چهارمین سال اجرا قرار دارد و طی سه دوره گذشته، به‌ویژه در دوره دوم با مشارکت بیش از ۲ میلیون شهروند تهرانی، نشان داده است که ظرفیت تبدیل‌شدن به یکی از بزرگ‌ترین تجربه‌های مشارکت مردمی در سطح منطقه را دارد و از همین منظر است که کشورهایی همچون سنگاپور خواستار تبادل دانش و تجربه اجرای «من شهردارم» برای پیاده‌سازی آن هستند.

۲- «من شهردارم»: تجربه‌ای موفق، معتبر و جهانی

برخلاف ادعای «نمایشی‌بودن»، این طرح طی سه دوره گذشته دستاوردهای مشخص و قابل سنجش داشته است:

یک: ثبت صدها هزار ایده و پیشنهاد مردمی

دو: اجرای صددرصدی بیش از ۵ هزار پروژه کوچک‌مقیاس محلی با مشارکت مستقیم شهروندان

سه: افزایش شفافیت در فرایند انتخاب و اجرای پروژه‌ها

چهار: افزایش مشارکت افشار کمتر دیده‌شده در تصمیم‌سازی شهری

اوج این موفقیت‌ها، اهدای جایزه جهانی نوآوری ۲۰۲۴ بریکس-مسکو به طرح «من شهردارم» است؛ جایزه‌ای که پس از ارزیابی بیش از ۱۲۰ طرح بین‌المللی، به دلیل نوآوری، مقیاس‌پذیری و اثرگذاری اجتماعی به «من شهردارم» تعلق گرفت. این افتخار، نشان‌دهنده آن است که مدل «مشارکت مسئله‌محور» تهران، نه‌تنها نمایشی نیست، بلکه در سطح جهانی نیز به‌عنوان یک تجربه موفق شناخته شده است.



واکاوی تناقض در مواضع و رفتار ایروان در قبال تهران طی گفت‌وگو با سیدعلی سقائیان

آدرس غلط پاشینیان



برگزیده‌ها

بررسی طرح صلح ۲۰ ماده‌ای ترامپ- زلنسکی و سرسختی یوتین برای پایان جنگ

خیلی دور، خیلی نزدیک

در ادامه پیگیری‌های «شرق» از آنچه در انجمن اتنسم ایران می‌گذرد، مسئولان مربوطه، نشست خبری برگزار کردند:

تلاش برای رفع شبهات و پاسخ به گزارش «شرق»

حواشی به سراغ استقلال آمد

شیشه عمر سایننتو در دستان محرم

بقائی: به دنبال مذاکره‌ای هستیم که معقول باشد

ماجرای اسارت آرش دربندی در جنگ اوکراین را پیگیری می‌کنیم

نگاه

نقد نکنید؛ استاندارد لرستان ناراحت می‌شود

یادداشتی از حسین رمضان‌زاده

یادداشت

جهان ناآرام

بازآرایی قدرت‌ها در سالی که گذشت



محسن شریف‌خدانی

تحلیلگر روابط بین‌الملل

در آستانه پایان سال ۲۰۲۵ جهان بیش از هر زمان دیگری به صحنه‌ای از بی‌ثباتی، رقابت و بازآرایی قدرت‌ها تبدیل شده؛ سالی که در آن قدرت‌های بزرگ نه‌تنها نتوانستند امنیت بیشتری برای خود و جهان ایجاد کنند، بلکه هرچه قدرتمندتر شدند، احساس ناامنی‌شان نیز افزایش‌یافت. این پارادوکس که قدرت بیشتر الزاما امنیت نمی‌آورد، در رفتار ایالات متحده، روسیه، چین، اروپا، اسرائیل و حتی قدرت‌های منطقه‌ای، آمریکای لاتین و خاورمیانه به‌وضوح دیده شد. جهان در حال عبور از یک نظم قدیمی است، اما نظم جدید هنوز شکل نگرفته و همین «دوران گذار ژئوپلیتیک» را به خطری بزرگ در دوره تاریخ معاصر تبدیل کرده است.

در مرکز این تحولات، دکترین امنیت ملی ترامپ قرار داشت؛ رویکردی که تا حدی بر محدود‌سازی نقش جهانی آمریکا، تمرکز بر نیمکره غربی و نگاه سوداگرانه به روابط خارجی استوار بود. این‌دکترین، به ناچار آمریکا را از جایگاه «قدرت تثبیت‌کننده نظم جهانی» به «قدرتی با اولویت‌های محدود و منطقه‌محور» تبدیل کرد. پیامدهای چنین تغییری تنها به واشنگتن محدود نماند، بلکه اروپا، آسیا، خاورمیانه و آمریکای لاتین را نیز در معرض بازآرایی‌های ژئوپلیتیک قرار داد و مسیر آینده نظم بین‌المللی را درگرو کرد. اروپا نخستین منطقه‌ای بود که این تغییر را به تمام وجود احساس کرد. امنیت این قاره طی ۷۰ سال گذشته بر ستون حضور آمریکا در ناتو استوار بود. اما دکترین ترامپ با تردید نسبت به ناتو، فشار بر متحدان برای افزایش هزینه‌های دفاعی و کاهش تمایل به ایفای نقش رهبری در منازعات، این ستون را لرزان کرد. جنگ اوکراین نشان داد که اروپا بدون حمایت آمریکا قادر به ایجاد بازدارندگی کافی در برابر روسیه نیست.

^[1] در آستانه پایان سال ۲۰۲۵ جهان بیش از هر زمان دیگری به صحنه‌ای از بی‌ثباتی، رقابت و بازآرایی قدرت‌ها تبدیل شده؛ سالی که در آن قدرت‌های بزرگ نه‌تنها نتوانستند امنیت بیشتری برای خود و جهان ایجاد کنند، بلکه هرچه قدرتمندتر شدند، احساس ناامنی‌شان نیز افزایش‌یافت

^[2] در آستانه پایان سال ۲۰۲۵ جهان بیش از هر زمان دیگری به صحنه‌ای از بی‌ثباتی، رقابت و بازآرایی قدرت‌ها تبدیل شده؛ سالی که در آن قدرت‌های بزرگ نه‌تنها نتوانستند امنیت بیشتری برای خود و جهان ایجاد کنند، بلکه هرچه قدرتمندتر شدند، احساس ناامنی‌شان نیز افزایش‌یافت